رسانه و سینما

گنجشک، ... رادیو لالا ۱۶
من زیر نگاهم؛ از همه طرف ۱۷

کتاب و ادبیات

توهم حق زیستن داری ۱۸
طنز، به هم ریختن تصورهاست .. ۱۹

حکمت و اندیشه

جان استوارت میل ۲۰
سعدی هلندی و فرش ایرانی ۲۱

تاریخ مشروطه

شرایط حفظ آزادی ۲۲

زمانه دیگری است

گفت‌وگو با علی‌اکبر اشعری مشاور فرهنگی رئیس جمهور

حمیدرضا ابک: گفت‌وگو با صاحب‌منصبان و سیاستمداران یک گرفتاری اساسی دارد. اگر در مقدمه نوشته‌ات، تندوتیز باشی و شاخ و شانه بکشی متهم به این می‌شوی که قصد تخریب داشته‌ای و سیاه‌نمایی، اگر هم واقعاً از ویژگی‌های نیک و پسندیده شخصیت یا عمل مصاحبه‌شونده بگویی هم که معلوم است پشت سرت چه حرف‌هایی است. به همین خاطر است که روزنامه‌نگاران معمولاً ترجیح می‌دهند یک مقدمه رسمی بنویسند و خودشان را خلاص کنند. مثل همین کاری که من کردم؛ چون مقدمه‌ام تمام شد. اما از یک نکته نمی‌توانم بگذرم. گفت‌وگوی من و همکارم رضا نوری‌فر با علی‌اکبر اشعری مشاور فرهنگی رئیس جمهور و رئیس کتابخانه ملی، پس از مراسم رونمایی کتابی انجام شد که در کتابخانه ملی برگزار می‌شد. قبل از مصاحبه از رفیقی شنیدم که با اشعری تماس گرفته‌اند و گفته‌اند پدرش در همین فاصله به بیمارستان منتقل شده است. منتظر بودم مصاحبه را تعطیل کند و حواله‌مان بدهد به روزی دیگر و روزگاری دیگر. اشعری اما در تمام طول مصاحبه هیچ اشاره‌ای به این موضوع نکرد. مصاحبه‌ای که قرار بود نیم‌ساعته باشد، دو ساعته شد و تا غروب آفتاب به طول انجامید. مرام و معرفتش نمک گیرم کرد که در این سال‌ها کمتر از این صحنه‌ها دیده‌ام؛ در سرزمینی که هیچ چیزی در آن به اندازه وفای به عهد، بی‌اهمیت و بی‌معنی نیست.

■■■

■آقای اشعری! قرار است درباره سیاست‌های دولت در حوزه نشر گفت‌وگو کنیم. اما فکر می‌کنم این موضوع به یک مقدمه ضروری نیاز دارد. اصلاً دولت در کجای سرزمین فرهنگ قرار دارد که می‌تواند برای خودش نقش حمایتی یا سیاستگزاری یا نظارتی قائل شود؟

هر نظامی یک سلسله اهدافی دارد که قاعدتاً در قانون اساسی آن کشور آمده است. برنامه‌های اجرایی نیز قاعدتاً براساس این اهداف طراحی می‌شوند. اما دولت مطمئناً به تنهایی قادر به انجام این کارها نیست و برای تحقق اهداف نیاز به کمک مردم دارد.

■دولت در چه حوزه‌ای نیاز به حمایت مردم دارد. منظورم دولت در کشور ما است؛ با توجه به گستره و ابعاد حوزه عملی که دارد.

دولت سه نقش عمده دارد؛ حمایت، هدایت و نظارت. به این ترتیب «اجرا»ی فعالیت‌ها در حوزه اختیارات مردم است و آنها هستند که باید متولی آن باشند.

دولت برای رسیدن به اهدافش، امکانات و ابزاری در اختیار دارد به نام بودجه، دولت بودجه را هزینه می‌کند تا به اهدافش برسد.

■خب اگر دولت همین اهداف را به گونه‌ای تعریف کرده باشد که با اجرا گره‌خورده باشد، چطور؟

ببینید، مثلاً در حوزه کتاب، هدف دولت که نمی‌تواند افزایش تیراژ باشد. هدف دولت پیشرفت علمی کشور است. هدف دولت رشد اندیشه اجتماعی است. هدف دولت رشد اخلاق در جامعه است. حالا باید از هر حرکتی که به دولت کمک کند تا به اهدافش برسد، حمایت کرد. حالا ممکن است این کار با چاپ کتاب انجام شود یا هر کار دیگر.

■دعوا همین جا است آقای اشعری. ملاک و میزان ما برای رشد و ارتقای سطح فکری و علمی و اخلاق جامعه را چگونه باید تعیین کرد. اتفاقاً همین جا است که عده‌ای رگ‌خواب دولت‌ها را پیدا می‌کنند و از همین طریق کاسبی می‌کنند. ملاک‌های ما اگر صوری و ظاهری باشند، به راحتی این امکان برای افراد فراهم می‌شود.

قبول دارم، فرق می‌کند که ما از کتاب‌هایی حمایت کنیم که صرفاً اسم خدا و پیغمبر در آنها آمده یا کتاب‌هایی که واقعاً به رشد اخلاق کمک می‌کنند. یعنی کتاب‌هایی که در میان مردم اقبال پیدا کند و مردم از آن در رشد اخلاق‌شان بهره بگیرند. ببینید منظور من از تولید چاپ کتاب نیست. منظورم از مصرف هم، خرید کتاب نیست. بلکه من تولید فکر و ارتقای فکر را مدنظر دارم. حرف من این است که دولت اهدافی دارد که باید برای تحقق‌اش هزینه کند. بخشی از این هزینه را مستقیم خرج می‌کند و بعضی را در قبال حمایت از کارهایی که مردم می‌کنند.

■فرض کنیم تعریف شما ملاک ما باشد. اما آیا واقعاً برای مثال وزارت ارشاد هنگام تحویل فیلم و زینک و کاغذ به ناشران، میزان تاثیر آنها در رشد و ارتقای فرهنگی جامعه را می‌سنجد؟ وقتی شما از هر کسی که مجوز نشر دارد حمایت کردید، آن هم به این شکل، اصلاً حمایت معنایش را از دست می‌دهد. مگر اینکه بگوییم این حمایت‌ها هدف دیگری را دنبال می‌کنند. در واقع می‌خواهم بدانم سیاست‌های دولت نه در ماه‌های اخیر که در تمام سال‌های پس از انقلاب، در راستای این چارچوبی که شما تعیین می‌کنید، بوده یا نه؟ چون فکر می‌کنم چارچوب کلی این سیاست‌های اجرایی در تمام دولت‌ها به گونه واحدی بوده و هست.

من معتقدم سیاست‌های موجود نه تنها در خدمت این ایده نبوده، بلکه کاملاً در تضاد با این ایده بوده و هست. برای اینکه وقتی شما مبنای حمایت را چاپ و تیراژ کتاب قرار می‌دهید، زمینه را برای انواع بی‌اخلاقی‌ها در جامعه مهیا می‌کنید که مثلاً کسی برود کتابی را با تیراژ اندک منتشر کند و بعد با زدوبندهایی که انجام می‌دهد، برود و ادعا کند تیراژ فوق‌العاده بالایی داشته و برمبنای آن کاغذ بگیرد و در بازار آزاد بفروشد. این‌گونه است که نه تنها هیچ رشدی در اخلاق جامعه پدید نیامده، بلکه برعکس به رواج بی‌اخلاقی و بداخلاقی دامن زده‌ایم. به همین دلیل بود که در دولت قبل بیش از صد تن از ناشران نامه‌ای نوشتند و از دولت خواستند اصلاً این‌گونه حمایت از ناشران را تعطیل کند. چون فهمیده بودند که این سیاست بیشتر ضدفرهنگی است تا فرهنگی.

ادامه در صفحه ۲۰

عکس: میلاد پیامی، شرق

تأمل

مسئله همان است که بود

مسئله هنوز بر جای خود باقی است. مصاحبه علی‌اکبر اشعری، که امروز بر صدر یکی از مهمترین مناصب فرهنگی سرزمین ما تکیه زده است، حاوی نکات تازه‌ای است؛ لااقل در فضای دولت جدید. او تاکید کرده است که مکانیسم‌های حمایتی دولت در عرصه کتاب (بخوانید در عرصه فرهنگ) حتی اگر در دوران تاسیس‌شان گرهی از کار ما گشوده‌اند، امروزه روز به کار نمی‌آیند. نه تنها به کار نمی‌آیند که آفتی بیش از ثمر دارند؛ اگر قائل به ثمری برای آنها باشیم.

از سوی دیگر اشاره کرده است که نظام‌های ارائه مجوز در کشور ما، بر هر عنصری مبتنی باشند، عنصر «اعتماد» را لحاظ نکرده‌اند. حتی ناشرانی که سال‌ها است، با هر معیاری، کارنامه موفقی داشته‌اند، برای انتشار کتاب‌هایشان باید در همان صفی بایستند که ناشران تازه‌کار ایستاده‌اند. قاعدتاً تنها چیزی که در چنین نظامی وجود ندارد، اعتماد است. البته این مسئله سال‌ها است در سرزمین ما رایج شده است و ربط چندانی به اوضاع و احوال امروز ما ندارد و سخنی اگر بوده بر سر میزان سهل‌گیری‌ها و سخت‌گیری‌ها بوده.

قبول. تمامی این نکات قبول. اما مسئله را چگونه باید حل کرد؟ آیا مکانیسم مدونی برای تبدیل ملاک‌های امروزین ما به ملاک‌های روزآمد برای ارائه مجوز وجود دارد؟ آیا می‌توان نشست و چاره‌اندیشی کرد که سمت و سوی حمایت‌های دولتی باید به کدام طرف تغییر کند؟ از همه مهمتر آیا اساساً اراده منسجم و عزم راسخی برای تامل درباب این نکات و پدید آوردن طرحی نو وجود دارد؟

قبول که اشعری همه کاره فرهنگ نیست. قبول که بخش عظیمی از فعالیت‌های دولتی عرصه فرهنگ زیرنظر او نیست. اما به هر حال شاید بتوان از او خواست که بکوشد تا ایده‌هایش را بر اراده‌ای استوار سازد و ما را خوشحال کند از اینکه در آینده‌ای نزدیک اوضاع فرق کرده است.